



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۶۷	تاریخ درس:	۱۴۰۰/۰۱/۲۱
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان فرعی ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان فرعی ۵	حق دوم: تأمین نیازهای ضروری زندگی			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

بحث ما در حق دوم از حقوق شهروندی بود که گفتیم عبارت است از تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم و آن نیازمندی‌هایی که مردم خودشان توان تأمین آنها را ندارند؛ مخصوصاً نیازمندان و بی‌سرپرستان و از کار افتادگان. به هر حال تأمین نیازمندی‌های ضروری مردم از وظایف حاکم اسلامی است. روایاتی را در جلسات پیش بحث کردیم؛ در ادامه روایاتی که شاهد بر این مدعای ماست که تأمین نیازهای ضروری مردم از وظایف حکومت است، نامه شماره ۴۵ نهج البلاغه است که همان نامه‌ای است که به عثمان بن حنیف (عامل حضرت در بصره) نوشته‌اند. این نامه، نامه مشهوری است؛ همان نامه‌ای است که در آن آمده:

«أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُورٍ إِمَامًا يَتَّقِدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ»

آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند، و از نور دانشش روشنی می‌گیرد.

شاهد ما کلامی است که حضرت در ادامه می‌فرماید:

«وَلَكِنْ هَيَّاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوَّلِيَمَامَةٍ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْفُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْبِ أَوْ آيَتِ مِطَانًا وَحَوْلِي بَطُونُ غَزْوٍ وَأَكْبَادُ حَرَّى أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ:

وَحَسْبُكَ عَارًا دَاءٌ أَنْ تَبِيتَ بِمِطْنَةٍ وَحَوْلَكَ أَكْبَادُ تَحْنٍ إِلَى الْقَدِّ

أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ^۱؛

اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وا دارد که طعامهای لذیذ بر گزینم، در حالی که در «حجاز» یا «یمامه»^۲ کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت: «این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند».^۳ آیا به همین رضایت دهم که مرا امیر مؤمنین خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟

هرچند مطلب اصلی وارد در این مقطع از نامه حضرت، مطلب مربوط به اسوه بودن و همراه بودن امام جامعه با طبقات زیرین جامعه است؛ لکن از این مقطع استفاده می‌شود که امام جامعه نسبت به نیازمندان و گرسنگان و از کار افتادگان مسئولیت دارد. اینکه حضرت این همه تأکید دارند که «أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ»، این مشارکت چیزی برتر از مسئولیت است؛ یعنی نه تنها مسئولیت دارد و نه تنها باید در تأمین نیاز آنها تلاش کند؛ بلکه حتی از لحاظ تراز زندگی و سبک زندگی باید خودش را هم تراز آنها قرار دهد. در حقیقت به دلالت اولویت دلالت بر این می‌کند که امام باید در تأمین نیاز آنها تلاش کند و نسبت به نیازمندی و گرسنگی و احتیاجات آنها مسئولیت دارد. این روایت هشتم بود.

روایت نهم روایت معروف و مشهوری از رسول خدا ﷺ است که صحیح مسلم این روایت را نقل می‌کند که با توجه به قوت مضمون و شهرت روایت، اطمینان به صدور این روایت از رسول اکرم ﷺ پیدا می‌کند که حضرت فرمود:

«أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَإِلَّا مِيرَ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛

فرمود: بدانید که هر کدام از شما به منزلهٔ شبانی هستید و تمام شما نسبت به رعیت خود مورد بازخواست قرار می‌گیرید، بنا بر این فرمانروای مردم از رعیت خود بازخواست می‌شود.

۱. نهج لبلاغه: نامه ۴۵.

۲. یمامه: سرزمینی در جنوب عربستان است.

۳. این شعر منسوب به حاتم طایی است.

اینکه امیر مسئول از رعیت است معنایش این است که در رابطه با نیازمندی‌های آنها مسئولیت دارد؛ مسئولیت دارد که نیازمندی‌های آنها را بر طرف کند. مسئول یعنی پاسخگو؛ پاسخگوی نیاز و مطالبات به حق؛ مسئولیت یعنی پاسخگو بودن به نیازهای انسان‌هایی که تحت رعایت یک فرمانروا قرار دارند. بعد حضرت می‌فرماید:

«وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ»^۱؛

و مرد نسبت به خانواده‌اش سرپرست است و مسئول، و زن سرپرست اهل خانه شوهر و فرزندان و مسئول آنهاست.

که ما در مباحث فقه خانواده گفته‌ایم که خانم خانه، مدیر و مسئولیت دار خانه به شمار می‌آید؛ بر خلاف آنچه غربی‌ها و سکولارها و ضد دین‌ها شایع می‌کنند که در اسلام زن کلفت است؛ نه خیر؛ زن رئیس خانه است: «فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ»؛ نفرمود: «خادمه»؛ بلکه فرمود: «رَاعِيَةٌ»؛ اگر کاری هم در خانه انجام می‌دهد، از باب مسئولیتی است که نسبت به خانه و مدیریت خانه برعهده دارد.

روایت دیگر نیز روایتی است که در منابع اهل سنت آمده است؛ در کنز العمال از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلُ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ، أَحْفَظُ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلُ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»^۲؛

خداوند از هر سرپرستی درباره زیر دستش می‌پرسد که آیا آن را نگه داشته [و به آنها رسیدگی کرد] یا ضایع گذاشته است تا آن جا که از مرد در باره اهل خانه‌اش پرسش می‌کند.

مضمون این روایت تقریباً همان مضمون روایت سابق است. رسیدگی کردن [که در «حفظ» آمده] یعنی نیازهای آنها را تأمین کردن. این روایت نیز دلالت دارد بر اینکه امام و حاکم و دستگاه حکومتی، نسبت به نیاز نیازمندان مسئولیت دارد و باید در رفع نیازمندی‌های نیازمندان تلاش کند. در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که در ضمن خطبه‌ای فرمود:

۱. صحیح مسلم؛ ح ۱۸۲۹.

۲. کنز العمال؛ ح ۱۴۶۳۶.

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِرِ»^۱؛

از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، و شهرها، و خانه‌ها و حیوانات هستید.

این خطاب گرچه خطاب به مردم است، اما از این خطاب استفاده می‌شود که به طریق اولی خود حاکم نیز این مسئولیت را دارد و مسئولیت دارد نسبت به عباد و بلاد و بقاع و بهائم. روایت دیگر روایتی است که در وسائل الشیعة از امیرالمؤمنین روایت شده است که حضرت امیر شخصی را مشاهده کرد که گدایی می‌کند، حضرت فرمود:

«مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِي فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّىٰ إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؛ اتَّقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»^۲؛

نفرمود «من هذا»؛ بلکه فرمود: «ما هذا»؛ این چه پدیده‌ای است؟ یعنی چه که کسی بیاید و طلب کمک کند و گدایی کند؟ آنها گفتند نصرانی است این شخص؛ بعد حضرت فرمود تا وقتی که جوان و نیرومند بود از او استفاده کردید. «اسْتَعْمَلْتُمُوهُ» یعنی جامعه این شخص را به کار گرفت و از نیروی کار او استفاده کرد تا وقتی که پیر شد و کهن سال شد و از کار افتاد، او را از تأمین نیازش بازداشتید؟ از بیت المال به او انفاق کنید. این روایت نیز نشان دهنده آن است که امیر، حاکم و دستگاه حکومتی موظف است که از بیت المال نیازمندان را تأمین کند؛ لذا از نیاز مردم مسئول است و این دلالتش بسیار روشن است که حاکم و دستگاه حکومتی، در برابر نیاز مردم مسئولیت دارد و وظیفه دارد نیازمندان را برطرف کند. روایت دیگر روایت جابر است:

أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ اقْبِضْ مِنِّي هَذِهِ الْخُمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَضَعَهَا فِي مَوَاضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعَهَا فِي جِرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؛ فَإِنَّهُ يُقَسَّمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ^۳؛

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۷.

۲. وسائل الشیعة: ابواب جهاد العدو، باب ۱۹، ح ۱.

۳. همان؛ ابواب المستحقين للزكاة، باب ۳۶، ح ۱.

مردی خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام رسید و من نیز آنجا حاضر بودم عرض کرد: رحمت خدا بر شما باد. این پانصد درهم زکات مال من بوده از من گرفته و در موردش صرف فرمایید. حضرت به او فرمودند: خودت آن را بردار و صرف همسایگان و یتیم‌ها و فقراء و برادران مسلمانان بنما، دادن زکات به دست امام زمانی است که قائم ما ظاهر شود چه آن که آن حضرت مال را به طور مساوی و معادل بین خلق الله تقسیم می‌کنند چه اشخاص صالح بوده و چه فاجر باشند.

شاهد ما همین است که شخصی آمد که زکات به حضرت بدهد. مضمون سخن حضرت این است که اکنون که قدرت دست ما نیست، شما این کار را انجام دهید، که زکات را بین نیازمندان از مؤمنین تقسیم کنید و بعد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا»؛ معلوم می‌شود وظیفه حاکم این است که نیاز نیازمندان را تأمین کند؛ در این روایت از طریق زکات آمده است؛ اما در روایات دیگر آمده که اگر زکات کفاف نکرد، باید از منابع دیگر تأمین کند. شاهد ما همین مقطع است که «إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا» که وقتی قائمنا بیاید این کارها را انجام می‌دهد؛ معلوم می‌شود اینها وظایف حاکم است که «يُقَسِّمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيُعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ» و اینکه می‌فرماید: «الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ» این همان مسئولیت شهروندی را می‌رساند که کار به این ندارد که شخص آدم خوبی است یا آدم بدی؛ شهروند است؛ همین که شهروند بود، مسئولیت تأمین نیاز این شهروند به حاکم است؛ حتی انسان فاسق نیز تحت رعایت دولت اسلامی است و تا شهروند نظام اسلامی است، باید نیاز او تأمین شود.

روایت چهاردهم صحیحۃ ابی بصیر است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ عُمَرُ: سَأَلَ عِيسَى بْنُ أَعْيَنَ وَهُوَ مُحْتَاجٌ فَقَالَ لَهُ عِيسَى بْنُ أَعْيَنَ أَمَا إِنَّ عِنْدِي مِنَ الزَّكَاةِ وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ وَلِي فَقَالَ لَا نِيَّ رَأَيْتُكَ اشْتَرَيْتَ لَحْمًا وَتَمْرًا فَقَالَ إِنَّمَا رُبِحْتُ دِرْهَمًا فَاشْتَرَيْتُ بِدَانِقَيْنِ لَحْمًا وَبِدَانِقَيْنِ تَمْرًا ثُمَّ رَجَعْتُ بِدَانِقَيْنِ لِلْحَاجَةِ. قَالَ فَوَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ ثُمَّ نَظَرَ فِي الْفُقَرَاءِ فَجَعَلَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَلَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ بَلَى فَلْيُعْطِهِ مَا يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَيَكْسِي وَيَتَزَوَّجُ وَيَتَصَدَّقُ وَيَحُجُّ»؛

به امام صادق علیه السلام گفتم: پیرمردی از شیعیان شما که فقیر و نیازمند است، از فلانی درخواست کمک کرد. فلانی به او گفت: اتفاقاً وجهی از بابت زکات نزد من حاضر است، اما به تو نخواهم داد. آن پیرمرد پرسید: چرا؟ و فلانی به او گفت: زیرا من دیدم که تو هم گوشت خریدی و هم خرما خریدی، پیرمرد گفت: من یک درهم سود برده بودم، با دو دانگ آن گوشت خریدم و با دو دانگ آن خرما خریدم و دو

دانگ آن را برای حاجت دیگری به خانه بردم. موقعی که من این گزارش را خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم، امام دست خود را بر پیشانی نهاد و بعد از چند لحظه سر خود را بلند کرد و گفت: خداوند تبارک و تعالی به اموال ثروتمندان نظری افکند و سپس به جمع فقرا و نیازمندان نظر کرد، و به اندازه حاجت نیازمندان در مال ثروتمندان حقی معین نمود، این حق مالی، تمام حوائج نیازمندان را کفایت خواهد کرد، اگر در حد کفایت نبود، بر میزان زکات می افزود. باید به مستحق زکات، چندان بدهد که بخورد و بیاشامد و پوشاک خود را تهیه کند و زن بگیرد و صدقه بدهد و حج برود.

که «مَا يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَيَكْتَسِي وَيَتَزَوَّجُ وَيَتَصَدَّقُ وَيَحُجُّ»، نشانه همان نیازمندی هاست؛ که «يَحُجُّ» را نیز اضافه کرده است که این نشان دهنده این است که نیازمندی ها باید از محل زکات تأمین شود و مسئول این کار حاکم است و اگر حاکم نتوانست، مردم باید این کار را انجام دهند. این را در محل خودش گفته ایم که هر مسئولیتی که متوجه حاکم بما هو حاکم یا متوجه کل جامعه است، از مسئولیت های حکومتی است. هر وقت می گوئیم حاکم بما هو حاکم، یعنی حاکم با مردمش. بنابراین هر جا مسئولیتی متوجه جامعه است، حاکم باید آن را اجرا کرد؛ مردم مسئولند اما حاکم باید مردم را به انجام این کار وادار کند و سازوکار آن را باید حاکم تعیین کند؛ اگر حاکم این کار را نکرد، مسئولیت از مردم برداشته نمی شود و مردم باید وظیفه خودشان را انجام دهند.

از این روایات و آیات کریمه قرآنی که به آنها اشاره کردیم [این مطلب استفاده می شود که تأمین نیازمندی های شهروندان، وظیفه دولت اسلامی است؛ از جمله آیاتی که به آنها اشاره کردیم، آیات ذیل می باشد:]

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۱

و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم!

که اگر استقامت بر طریقت داشته باشند که در روایات تفسیر شده به ولایت امیرالمومنین علیه السلام یعنی حاکمیت حاکم اسلامی و حاکم عادل تن در دهند، نیازهای مردم تأمین می شود؛ اینکه می فرماید آب روان فراوان به آنها می نوشانیم، یعنی نیازهایشان را کاملاً و در حد کافی آنها را سیراب می کنیم. و همچنین آنجا که می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۲

۱. سوره جن: ۱۶.

۲. سوره ملک: ۳۰.

بگو: «به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

که در روایات به امام تعبیر شده «أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا» اگر امام از دست رفت، این از دست رفتن امام مساوی این است که نیازمندی‌های جامعه تأمین نشود؛ از طریق حاکمیت الهی این نیازمندی‌ها تأمین می‌شود؛ «بِمَاءٍ مَعِينٍ» همان «مَاءٌ غَدَقًا» است؛ «بِمَاءٍ مَعِينٍ» یعنی آب گوارا؛ این آب گوارا را چه کسی به شما می‌دهد اگر خدای متعال به وسیله امام شما را تأمین نکند؟ این نشان دهنده این است که امام جامعه تأمین کننده نیازهای مردم است و اگر امام روی سر مردم نباشد، قطعاً در جامعه اختلال به وجود می‌آید و نیاز نیازمندان تأمین نخواهد شد؛ همان چیزی که امروزه در جوامع بشری می‌بینیم؛ گرسنگی‌ها و فقرها و این بیماری‌ها و گرفتاری‌ها که در جامعه بشر است که هر روزه تعدادی از گرسنگان جامعه بشری می‌میرند؛ چه در آفریقا و چه خود آمریکایی که انقدر ادعا می‌کنند، عده‌ای از گرسنگی می‌میرند.

حق دوم از حقوق شهروندی به پایان رسید.